

وجه اصلی بلیه درآمد نفتی

۱۳۹۷/۱۰/۰۱ - ۲۸:۵۱:۰۰ | کدخبر: ۱۳۵۹۱۵

در هفته گذشته گزارشی از سوی اتاق بازرگانی مشهد منتشر شد که حاوی آمارهای تکان‌دهنده‌ای از اوضاع کنونی اقتصاد کشور بود. کار جالب این اتاق آن بود که توانسته بود



منصور بیطرف

سردبیر

در هفته گذشته گزارشی از سوی اتاق بازرگانی مشهد منتشر شد که حاوی آمارهای تکان‌دهنده‌ای از اوضاع کنونی اقتصاد کشور بود. کار جالب این اتاق آن بود که توانسته بود آمارهایی که مربوط به توان اقتصادی کشور است را جمع‌آوری کند و آنها را در کنار هم قرار دهد تا به هر خواننده و تحلیل‌گری این نگاه را بدهد که چه بر سر اقتصاد ایران رفته است. واقعیت آن است که تاکنون این آمارها به کرات گفته یا نوشته شده است اما بطور مجزا، ولی این آمارها در زمانی معانی خود را پیدا می‌کنند که بتوان آنها را در کنار هم قرار داد و با اوضاع فعلی اقتصادی کشور مقایسه کرد. در این گزارش آمده بود که ایران از ابتدای سال ۱۳۶۸ - شروع برنامه اول توسعه - تا پایان سال ۱۳۹۶ - پایان برنامه پنجم توسعه و شروع برنامه ششم توسعه - بالغ بر ۱۷۱۲ میلیارد دلار درآمد مستقیم ارزی (فروش نفت، گاز و صادرات غیرنفتی) و همچنین به میزان ۱۴۹۱

میلیارد دلار منابع غیر مستقیم ارزی (معادل دلاری مصرف داخلی منابع نفتی و گازی) داشته است. یعنی توان اقتصادی ایران طی این دوره ۲۸ ساله در مجموع ۳ هزار و ۲۰۳ میلیارد دلار بوده است. اگر از زاویه‌ای دیگر به این آمار نگاه کنیم به آن معنا است که توان ارزی کشور بطور متوسط سالی ۱۱۴ میلیارد دلار بوده است که البته این رقم را باید از توان تولیدی بخش‌های دیگر کشور جدا کرد. در این گزارش اشاره‌های جالبی هم به شروع کسب و کار شرکت‌های خارجی شده است که با سرمایه‌های بسیار کمتری از این مقدار توانسته‌اند جایگاهی در اقتصاد بزرگ جهانی پیدا کنند و همچنین بخشی از بازار ما را هم در اختیار بگیرند اما برای ایران چطور؟ طی این ۲۸ سال و با این همه منابع، اکنون جایگاه اقتصادی ایران کجاست؟

در اصل از لحاظ تورم ایران هنوز جزو معدود کشورهایی است که نرخ تورم آن دو رقمی است، این به آن معنا است که سالیانه حداقل ۱۰ درصد از ارزش پول کشور و قدرت خرید آن کاسته می‌شود. از لحاظ رشد اقتصادی میانگین رشد اقتصادی ایران در این ۲۸ سال بالاتر از ۳ درصد نبوده است و نرخ بیکاری آن هنوز تک‌رقمی نشده است که از دل آن می‌توان شاخص‌های گوناگونی مانند نرخ فلاکت و... درآورد که در این مقال نمی‌گنجد. و اما سوال مهم‌تر چرا با این همه توان اقتصادی بالا، درجا زده ایم؟ به عبارت دیگر، چرا با این همه منابع نتوانسته‌ایم به جایگاه مناسبی در اقتصاد منطقه و جهان دست یابیم و این منابع را هدر دادیم؟ حوالی اوایل دهه ۱۳۷۰، مرحوم دکتر حسین عظیمی در همایشی که در خصوص توسعه برگزار شده بود به یک نکته مهمی اشاره کرد و به دلیل ضیق وقت از بسط آن گذر کرد. به گفته مرحوم عظیمی، یکی از دلایل اقتصادی عقب‌ماندگی ایران، درآمدهای نفتی است. آن‌طور که وی توضیح داد درآمدهای نفتی عملاً خلأهای درآمدی بخش‌های دیگر را پر می‌کند و مانع از توانمندی آن بخش‌ها می‌شود. در این زمینه کارشناسان دیگر هم توضیح وافی و کافی داده‌اند اما یک مهم دیگر باید به آن افزود و آن این است که درآمدهای نفتی باعث می‌شود که تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کشور به پشتوانه آن بر تصمیم‌های غلطی که می‌گیرند پافشاری کنند زیرا این درآمد عملاً در کوتاه‌مدت زیان حاصل از این تصمیم‌ها را می‌پوشاند. بدون شک از بطن نظر مرحوم عظیمی همین نکته بیرون می‌آید. کافی است نگاهی بیندازیم به فراز و نشیب‌های اقتصادی ایران. برای مثال حوالی سال ۱۳۵۵ بود که به دلایلی قیمت پیکان افزایش یافته بود و دولت وقت برای ساکت کردن مردم و خواباندن بحران، شروع به واردات هیلمن کرد تا به نوعی خودروسازان را تنبیه و آرامش را به اقتصاد کشور برگرداند اما این ترفند نتوانست سبب کاهش قیمت خودرو در بازار داخلی شود. در آن زمان آن دولت به پشتوانه درآمدهای نفتی توانست این تصمیم غلط را بگیرد زیرا اگر دولت آن وقت و همچنین دولت‌های بعدی که به نوعی همین رویه را برای مقابله با بحران‌های مقطعی اقتصاد پیش گرفتند، به جای این برخورد، به برطرف کردن عیوب سیاست‌های اقتصادی کشور می‌پرداختند بدون شک وضعیت اقتصادی ایران به گونه‌ای دیگر می‌بود. دولتمردان کشور، چه در این زمان و چه در زمان‌های گذشته، با پشتوانه درآمدهای نفتی خود سیاست‌های اقتصادی و سیاسی را می‌ریزند؛ اشتباهی که متأسفانه باعث هدر رفت منابع می‌شود؛ درست به مثابه پدری ثروتمند که نتوانسته فرزند خود را درست تربیت کند و هر از گاهی این فرزند برای او و خانواده دردسر درست می‌کند و سر از دادگاه درمی‌آورد اما پدر ثروتمند برای جلوگیری از محکومیت وی که می‌تواند به تنبیه و تربیت درست منجر شود اقدام به خرج کردن و پول دادن می‌کند. اما این خرج کردن تا چه زمانی می‌تواند ادامه یابد؟ با همین قیاس، این درآمدهای نفتی تا چه زمانی می‌تواند جبران عقب‌ماندگی اقتصادی کشور را تامین کند؟ اگر حکومت یا دولت، این درآمدهای نفتی را نمی‌داشتند، می‌توانستند تصمیم‌های غلط بگیرند و با اذعان به غلط بودن آن بر آن پافشاری کنند؟ پاسخ به این سوال را بعداً پی می‌گیریم.